

رابطه میزان دینداری (التزام دینی) با نوع دینداری

دکتر ابوالفضل ذوالفقاری*

تاریخ دریافت: ۸۷/۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۸۸/۷/۲۶

چکیده

با برآمدن جنبش دوم خرداد در ایران و رهبری این جنبش توسط روشن فکران دینی، مخالفان جنبش دائماً روشن فکران دینی را متهم به عدم التزام دینی می نمودند. التزام به دین، همان مفهوم رایج در مطالعات جامعه شناسی دین است که اصطلاحاً به آن میزان دینداری^۱ گفته می شود و روشن فکری دینی نیز حداقل یک نوع تلقی از دین^۲ یا نوعی قرائت رایج دینی^۳ محسوب می شود. که نوعی تجدد گرائی دینی است. این مقاله در صدد است تا در سطح وسیع تر و کلی تر، رابطه انواع قرائت های دینی - و نه یک قرائت خاص - را با میزان دینداری و ابعاد مختلف آن به صورت تجربی

* استادیار جامعه شناسی دانشگاه شاهد

1. Religious commitment

2. Religious reading

۳- لازم به ذکر است که روشن فکری دینی اگرچه نوعی قرائت رایج از دین است، ولی در عین حال اقسام مختلفی از آن در جامعه ما وجود دارد. جهت اطلاع بیشتر در این خصوص رجوع شود به کاظمی، ۱۳۸۲: ۱۴۸-

مورد بررسی قرار دهد. برای سنجش میزان دینداری از مدل گلاک و استارک و برای سنجش انواع قرائت‌های دینی از مدل ویلیام شپرد - که منطبق با کشورهای اسلامی و ایران است، استفاده شده است.

جمعیت نمونه پژوهش را تعداد ۷۰۷ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های دولتی تهران تشکیل می‌دهند که داده‌های آن از طریق پرسشنامه در بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۶ گردآوری شده است. یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که نوع دینداری (قرائت دینی) دانشجویان با میزان دینداری آنها رابطه معنی‌داری در سطح ۹۹٪ اطمینان، دارد. به این معنا که با افزایش یا کاهش میزان دینداری دانشجویان، نوع دینداری آنها نیز متفاوت می‌شود. از حیث ابعاد دینداری نیز مشاهده می‌شود که در ابعاد اعتقادی و تجربه دینی و پیامد دینی و مناسک، تفاوت عمده میان سکولارها و انواع دیگر دینداران است به تعبیر دیگر سایر دینداران از حیث ابعاد پیش گفته تفاوت معنی‌داری در التزام به دین ندارند.

واژه‌های کلیدی: میزان دینداری، نوع دینداری، سکولاریسم، تجددگرایی اسلامی،

اسلام‌گرایی رادیکال، سنت‌گرایی، سنت‌گرایی جدید

مقدمه

جامعه ایرانی در چند دهه اخیر با فرآیندهای معروف به مدرنیته یا تجدد مواجه بوده است. تجدد همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی را تحت تأثیر قرار داده و ارزش‌های جدیدی را در جامعه رواج داده است. این ارزش‌ها که از آن به ارزش‌های مدرن تعبیر می‌شود موجب بروز اعتقادات و گرایش‌های فکری مختلف در جامعه شده است. در حوزه دینی رویارویی دینداران با تجدد، زمینه ساز ظهور قرائت‌های جدید از دین شده است. در واقع نفی مدرنیته یا مبارزه با مدرنیته و مقاومت در برابر آن، پذیرش مدرنیته یا سازگاری با آن، گزینش عناصر مدرن و نقد نسبت به مدرنیته و سنت دینی، هرکدام نوعی رویارویی و مبین یک نوع قرائت از دین می‌باشند که گاهی در تقابل با یکدیگر در صحنه منازعات و کشمکش‌های جاری در جامعه و نظام سیاسی ایران به

چشم می‌آیند. این تقابل‌ها را در گروه‌بندی‌هایی چون اصلاح طلبان، اقتدارگرایان یا محافظه کاران شاهد هستیم. پس امکان ظهور قرائت‌های گوناگون از دین، ناشی از رویارویی دین و مدرنیته و به تعبیر صحیح‌تر، ناشی از تحول عقل در دنیای جدید است و به لحاظ تاریخی، هم در دنیای اسلام و هم در دنیای مسیحیت، شاهد رویکردها و قرائت‌های گوناگون از دین، ناشی از این تحول عقلانی بوده ایم و نهضت پروتستانیسم در مسیحیت نمونه ای بارز در این زمینه به شمار می‌رود. در تاریخ اسلام نیز از گذشته سه گونه مواجهه فقهی، عرفانی و حکیمانه و فلسفی با اسلام و سنت نبوی وجود داشته که این آخری، مواجهه عقلانی با دین بوده است. همچنین امروزه هرمنوتیک فلسفی نیز راه را بر طیفی از روشن فکران دینی و متکلمان جامعه ما گشوده است تا بکوشند با اتکا بر این انگاره و نیز انگاره‌های دیگر، قرائت‌های جدیدی از متون دینی ارائه دهند. آنچه در قرائت‌های روشنفکرانه یا بهتر بگوییم تجدد گرایانه مفروض گرفته می‌شود این است که یک دیندار تجدد گرا در عرصه دینداری، آگاهانه و آزادانه، دین خود را انتخاب می‌کند و با در نظر گرفتن او به عنوان یک انسان حسابگر و عقلانی چنانچه بخشی از عناصر مذهبی قابل دفاع عقلانی نباشد آن را کنار گذاشته و یا پالایش می‌کند و در نتیجه التزام او به ابعاد مذهبی تضعیف می‌شود. آنچه که مسلم فرض می‌شود این است که همه افراد به یک اندازه در اجرای فرامین اسلام کوشش نمی‌کنند و نتیجتاً همه مسلمان‌ها به یک میزان دیندار نیستند و بسته به میزان دخالت عقل در برداشت‌های دینی شان، میزان دینداری آنها نیز متفاوت خواهد شد، ولی آیا می‌توان با مؤلفه خردمندی و عقلانیت به ارزیابی میزان دینداری انسان‌ها پرداخت و مثلاً میزان التزام دینداران تجددگرا (عقل گرا) را به ارزش‌ها و اعتقادات و مناسک دینی رو به کاهش و افول تصور نمود؟ به اعتقاد برگر ظاهراً میزان نیاز مردم به انجام مراسم و شعائر دینی بسیار عمیق‌تر و پیچیده‌تر از آن است که تیزاب عقلانیت حسابگرانه مدرن بتواند آن را مستحیل کند (برگر، ۱۳۸۱: ۲۱۰). این مقاله در صدد است که رابطه انواع قرائت‌های دینی را در نزد دانشجویان، که هرکدام ضرایب

متفاوتی از عقل را در برداشت‌هایشان دخالت می‌دهند؛ با ابعاد دینداری آنها بسنجد و در سرانجام خود به این سؤال پاسخ دهد که آیا تفاوت معنی داری میان انواع حاملان قرائت‌های دینی در جامعه ما از حیث التزام آنها به ابعاد گوناگون دین وجود دارد یا خیر؟

چارچوب مفهومی و نظری

دینداری یا تدین^۱ حالت انسان بوده که دین متعلق آن است. در واقع، دینداری وقتی است که تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی (اعم از عقاید، اخلاقیات و احکام) مورد پذیرش مردم یا گروهی از افراد قرار گیرد. بنابراین، در مقام تعریف می‌توان اظهار کرد که دینداری یا تدین عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی که پیرامون خداوند (امر قدسی) و رابطه‌ای ایمانی با او، سامان می‌پذیرد. به طور خلاصه، دینداری یعنی میزان علاقه، احترام، سلوک و پایبندی (التزام) افراد به دین اسلام. (طالبان، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۹)

مطالعه دینداری معمولاً در دو سطح انجام می‌گیرد، این سطوح را می‌توان مرکزی و پیرامونی نامید (میرسندسی، ۱۳۸۲: ۱۲۸) لایه مرکزی دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین (عقاید، مناسک، باورها و تجربه دینی) و لایه پیرامونی شامل انواع دینداری‌هاست. دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین در سطح مرکزی دینداری و گونه‌های دیگر از دینداری که در مواردی در سطح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین جای می‌گیرند، لایه‌های پیرامونی دینداری را شکل می‌دهند. از سوی دیگر می‌توان لایه‌های پیرامونی را ضرورت‌های تاریخی ادیان نیز محسوب کرد که با توجه به این امر ابعاد جدیدی در دینداری، حداقل از حیث مواجهه با پرسش‌های معرفت‌شناسانه رقیبان دین و یا ضرورت‌های تاریخی و توجه به عنصر زمان و مکان اهمیت پیدا کرده‌اند و شرایط متنوعی را نسبت به این حالت جدید مطرح ساخته‌اند. (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۱۲۸)

اما دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین یا همان التزام دینی^۱ از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم اجتماعی که حوزه علاقه‌شان مطالعه تجربی دین است به آن بسیار توجه کرده‌اند، به طوری که در طول دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هیچ موضوعی در مطالعات تجربی دین به اندازه تعیین مشخصات مفهومی دینداری مورد توجه قرار نگرفته است (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۵۸). نتیجه این مطالعات ادبیات گسترده‌ای را در خصوص مطالعه میزان دینداری افراد با تکیه بر ابعاد اصلی دین به وجود آورده، به طوری که امروزه شاخص‌های زیادی برای سنجش‌های چند بُعدی دینداری وجود دارد و نمونه این مطالعات در کشور ما نیز به حد کافی انجام شده و می‌شود.

رهیافت چند بُعدی بودن دین و تعریف چند بُعدی از دینداری و نحوه سنجش آن معمولاً با نام گلاک و استارک پیوند خورده است. آنها پنج بُعد اصلی برای دینداری قائلند که عبارتند از: بعد اعتقادی، بعد مناسکی، بعد تجربی، بعد فکری یا شناختی، بُعد پیامدی (سراج زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

اما در سطح دوم یعنی سطح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین^۲ که از آن به نوع دینداری یا قرائت از دین تعبیر می‌شود و ناشی از مواجهه دینداران با ضرورت‌های زمانی و مکانی بوده و در قرون اخیر از مواجهه دین با مدرنیته شکل گرفته، کمتر نظریه‌ای این سطح دینداری را مورد مطالعه قرار داده است. یک علت این مسئله شاید بحث‌های سکولاریسم و سکولاریزاسیون در غرب باشد که به عنوان پدیده‌ای همراه مدرنیته و یا به عنوان یکی از مبانی آن، اعتقاد به افول دین به واسطه ظهور و تداوم مدرنیته داشته است. درست برعکس مطالعات مربوط به سنجش میزان دینداری، حجم مطالعات مربوط به بررسی انواع تلقی‌ها و قرائت‌های دینی در جوامع اسلامی بیشتر از کشورهای غربی است. زیرا مدرنیته برای این گونه از کشورها که دین اسلام حضور و نفوذ گسترده‌ای در آنها دارد، امری وارداتی محسوب شده و تقابل اسلام با ایدئولوژی‌های غربی یکی از

1 . Religious commitment

2 . Religious Reading

زمینه‌های پیدایش این قرائت‌ها و خوانش‌ها و طرز تلقی‌های جدید نسبت به اسلام است. باید توجه داشت که بحث قرائت‌های مختلف از دین با بحث التزام دینی متفاوت است. در عین حال همبستگی متقابلی میانشان برقرار است. یعنی گاهی قرائت‌های خاص به دینداری‌های مشخصی منجر می‌شود و گاهی از دل دینداری‌های مشخص، قرائت و تلقی‌های خاصی از دین بیرون می‌آید (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۵۶). و یا می‌توان هسته مرکزی دینداری را مبتنی بر ابعاد اصلی دین و لایه پیرامونی را شامل انواع قرائت‌های دینی تلقی کرد (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

به عنوان یک رهیافت نظری برای رابطه میان التزام دینی و قرائت از دین می‌توان از نظریاتی در حوزه جامعه‌شناسی شناخت و معرفت‌شناسی بهره گرفت. از منظر جامعه‌شناسی شناخت، از دو گونه شناخت صحبت می‌شود که یکی بیشتر عقلانی، نظریه‌ای و شناسنده است و متعلق به مرحله تطابق افکار با واقعیات اجتماعی است و دیگری بیشتر از عناصر عاطفی و شبه نظریه‌ای و ارزشی (تقدیری) تشکیل شده و محصول دوران فقدان توافق اندیشه‌ها با واقعیات اجتماعی است (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱۹۴) که شامل ابعاد الهی و تأملات تئولوژیک و نظریات عبودیت آمیز و عاطفی [ایمانی و ...] است، و می‌توان آن را در عقاید مبداء و معادی و غایت‌گرایانه و اسطوره‌ها، علامات، و مناسک دینی در تاریخ ملاحظه نمود (کامل‌اح،^۱ به نقل از آشتیانی، ۲۸۵). التزام دینی در بحث ما، که ناظر به ابعاد عقیدتی، تجربه دینی، مناسکی و ... است، ناظر به اینگونه شناخت‌هاست. ارتباط میان این دو فرایند که اولی را می‌توان فرایند معرفتی و دومی را فرایند دینی نامید، دارای تاریخ طولانی است، رابطه‌ای که در واپسین بررسی می‌توان آن را رابطه‌ای دیالکتیکی و دو سویه دانست که مبتنی بر تقابل و دیالکتیک عقل (خرد) و عاطفه (ایمان) و یا ایمان عاطفی دینی و شناخت عقلانی - علمی است (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۲۰۸-۹). در واقع می‌توان گفت که شناخت‌های نوع اول (عقلانی) در تعامل با شناخت‌های عاطفی (دینی) در صدد فهم و تفسیر عناصر نظام عقیدتی دینی و جهت

گیری‌های کلی و عام آن بر می‌آیند. و پیام‌های فرامکانی و فرازمانی خداوند در چارچوب ذهن انسان‌ها مورد بازخوانی و فهم‌های متفاوت (عقلانی) قرار می‌گیرد، که "قرائت‌های دینی" محصول این تعامل است و بسته به اینکه در این تعامل تا چه اندازه بر عقل و یا عاطفه (ایمان) تاکید شود، قرائت‌های گوناگون و یا به طور کلی الهیات متفاوتی خواهیم داشت. مثلاً چنانچه در پذیرش باورهای دینی نیازی به کاربرد عقل بشری و مباحث عقلانی برای ارائه نظام باور دینی و تفسیر و تبیین آن نداشته باشیم، با نوعی الهیات ایمانی سنتی مواجه خواهیم بود. در آن طرف این طیف شاهد نوعی الهیات عقلانی حداکثری خواهیم بود که تاکید زیادی بر عقل دارد و مدعی است که تک تک گزاره‌های دینی را می‌توان از طریق عقل، قابل تایید و خردپذیر نمود. البته تاکید افراطی بر عقل خودبنیاد ممکن است باعث پیدایش دیدگاه‌هایی شود که از چارچوب دین و سنت‌های دینی خارج شود و به نوعی سکولاریسم افراطی منجر شود. خلاصه آنکه از منظر جامعه شناختی، شناخت جریان‌های عقلانی معرفتی، همان فراگردهایی هستند که به قول برگر و لوکمان، مفاهیم مذهبی و دینی از طریق آنها تقویت، ترویج، دفاع یا فرض می‌شوند. آنان این فراگرد را فراگرد توجیه‌گری و موجه‌نمایی می‌نامند (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵: ۱۲۹).

بررسی‌های تاریخی که بویژه با نظریات ماکس وبر تزیین بیشتری یافته‌اند، نشان می‌دهند که هرچه ما از گذشته دوردست زندگانی بشری به دوران معاصر نزدیکتر می‌شویم، به همان نسبت از کیفیت و کمیّت فرایندهای عاطفی کاسته و بر میزان و حجم جریان‌های عقلانی افزوده می‌شود (آشتیانی، همان: ۲۱۵). به نظر وبر، رشد عقلانیت در تاریخ بشری، کلید فهم فراگرد دنیاگرایی^۱ است. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۹۶)، که به پروتستانتیسم و بویژه کاتولیسیسم انجامیده و جنبه‌های مناسکی و آئینی کاتولیسیسم را تا حد زیادی حذف کرده و رمز و راز، معجزه و جادو را به دورانداخت (همیلتون، همان: ۲۹۸). اثر سکولاریسم و برداشتهای سکولار از دین را بر ابعاد و جنبه‌های مختلف

التزام دینی می‌توان در نزد بعضی دیگر از صاحب‌نظران پی‌گرفت. از جمله ویلسون، معتقد است که فراگرد سکولاریزاسیون، باعث کاهش اهمیت دین و ارزش‌های جمعی سنتی و مناسک جمعی و مراسم مذهبی می‌شود (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۰۲). یا لاکمن معتقد است نگرش‌های سکولار باعث روی برگرداندن از "استعلاهای بزرگ" - که با امور اخروی و مرگ سر و کار دارند - و روی آوردن به "استعلاهای کوچک" - که با تحقق نفس، ابراز وجود و آزادی‌های شخصی سر و کار دارند - شده است (لاکمن، ۱۹۹۰: ۱۳۸-۱۲۷). خلاصه آنکه پیشرفت عقلانیت و به دنبال آن ظهور سکولاریسم در غرب، نگرش‌هایی را در افراد ترویج می‌کند که باعث افزایش بی‌ایمانی و کاهش حضور در کلیسا و مناسک مذهبی (Halman&demoor, 1993: 57-65) و تزلزل حس آگاهی مذهبی و دینداری افراد (Swatos, 2006)، از دست رفتن اهمیت ساختاری دین و دینداری (ترنر) و افت شدید اعتقادات به امور ماوراء الطبیعه در مردم (ویلیم، ۱۳۷۷: ۴۹) خواهد شد.

از منظر معرفت‌شناسی نیز می‌توان رابطه دیالکتیکی دو مقوله التزام دینی و قرائت دینی را از خلال دوگانه‌هایی همچون وحی و واقعیت، ثابت و متغیر، گذشته و حال و نقل و عقل، پی‌گرفت. (ابوزید، ۱۳۸۳: ۹-۲۵۸). رابطه دیالکتیک به معنی تعامل دائم و پویایی مستمر است که طی آن ساختار آگاهی دائماً بازسازی می‌شود. (ابوزید، ۱۳۸۳: ۱۹۸) متون دینی محکوم به دیالکتیک عناصر ثابت و عناصر متغیر می‌باشند، به این معنی که از لحاظ الفاظ، ثابت و از لحاظ مفهوم و معنا متغیرند. از سوی دیگر در برابر متون، قرائت قرار دارد، متون عناصر جوهری ثابتی ندارند، بلکه هر قرائت در معنی تاریخی - اجتماعی خود ماهیتی دارد که آن را در متن کشف می‌کند (ابوزید، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۳). به عبارت دیگر، تفسیرها و قرائت‌های دینی پیوسته انعکاسی از میزان پیشرفت علمی، عقلی، محیطی و شخصی هستند. بنابراین، اصل و آغاز، در میان این دوگانه‌ها، سلطه و حاکمیت عقل است، سلطه‌ای که اساساً خود وحی نیز بر آن استوار است و عقل نه از آن نظر که مکانیسمی ذهنی، صوری و دیالکتیک است بلکه از آن جهت که فعالیتی اجتماعی - تاریخی و پویاست. سلطه عقل قابلیت خطا دارد، ولی به

همان نسبت قادر به تصحیح خطاهای خویش نیز می‌باشد و مهمتر اینکه، عقل، یگانه ابزار ما برای فهم است (فهم خود و جهان واقعیت) برای اینکه عقل دارای سلطه‌ای اجتماعی-تاریخی است و با احکام نهایی، قطعی و یقینی و جزمی سرآشتی ندارد و تعامل جهان شمول و واقعیت اجتماعی و طبیعی، نصوص را به عنوان بسترهایی گشوده برای تغییر و تحول مستمر و بررسی و تفسیر مدام می‌بیند و از خلال همین تغییر و تحول است که عقل نیز تحول می‌پذیرد و مکانیسم‌های آن از دیالکتیکی بی پایان و خلاق نو می‌شوند (ابوزید، ۱۳۸۳: ۴-۱۶۴). در واقع از این منظر نیز انواع قرائت‌های دینی، محصول چگونگی تعامل عقل با متون و نصوص دینی هستند. مطابق این دیدگاه که در جامعه ما دکتر سروش نماینده آن است، «دین» همانا مجموعه‌ای از متون مقدس ثابت و تاریخی است، در حالی که فکر دینی محصول شرایط زمانی و مکانی و میزان پیشرفت علمی و عملی محیط و اشخاص بوده و بنابراین چیزی جز اجتهادهای بشری برای فهم آن متون و تأویل و استخراج دلالت آنها نمی‌باشد. دکتر سروش در کتاب قبض و بسط تئوریک شریعت، معتقد است که بایستی بین معرفت دینی و گوهر دین تمایز قائل شد؛ این دو یکی نیستند و معرفت دینی، مثل هر معرفت دیگری، تاریخی است و در طی زمان در معرض تحول و دگرگونی است، هیچ معرفت دینی را نمی‌توان مطلق کرد (سروش، ۱۳۷۵).

همچنین در مورد مبانی قرائت‌های دینی علاوه بر نظریه تکامل دینی که ذکر شد معمولاً به مبناهای دیگری هم اشاره می‌شود، از جمله مبناهای هرمنوتیکی، مبناهای زبانی، مبناهای تجربی.^۱ اما از آنجا که نظریه هرمنوتیک فلسفی دکتر محمد مجتهد شبستری در ایران، موجب بروز چالش‌های فکری گوناگون در خصوص امکان پیدایش انواع قرائت‌های دینی شده، به طور اختصار به این نظریه اشاره می‌کنیم: هرمنوتیک به معنای

۱- در این مورد مراجعه شود به محمد محمدرضائی "مبانی قرائت‌های گوناگون از قرآن" فصلنامه قبسات، شماره

هنر تفسیر یا علم تفسیر است. در مغرب زمین دیدگاه‌ها و گرایش‌های گوناگون تفسیری در این علم وجود دارد که برخی از این دیدگاه‌ها می‌تواند مبنای قرائت‌های مختلف از دین قرار بگیرد. در باب هرمنوتیک یا علم تفسیر به طور کلی دو دیدگاه اساسی وجود دارد: یکی از این دیدگاه‌ها متعلق به شلایر ماخر است. او بر آن است که فهم و تفسیر، دوباره تجربه کردن و بازسازی اعمال ذهنی مؤلف متن است؛ یعنی مفسر از طریق متن می‌کوشد به نیت‌ها و مقاصد مؤلف آگاهی یابد. ویلهلم دیلتای نیز با کمی تفاوت، ادامه دهنده راه شلایر ماخر است. دیدگاه دوم متعلق به هایدگر و گادامر است. این دو فیلسوف برآنند که فهم و تفسیر، مستلزم پیش فرض است و اصولاً تفسیر بدون پیش فرض میسر نیست و همچنین آنان بر این باورند که تفسیر یقینی از متن وجود ندارد. حتی گادامر، تصریح می‌کند که جست و جوی فهم بدون پیش فرض بیهوده است. به نظر او تفسیر، مستلزم ترکیب افق‌ها^۱ است؛ یعنی افق‌های گذشته و حال یا افق فهم مفسر و افق متن. افق مفسر در مواجهه با اشیاء و متن، دائم تعدیل می‌شود، اما هیچ تفسیر عینی و نهایی وجود ندارد. ما نمی‌توانیم مطمئن شویم که تفسیر ما درست تر یا بهتر از تفسیرهای پیشین است، تفسیرها و داوری‌های ما درباره تفسیرهای گذشته در معرض تجدید نظر و بازنگری آینده است. محمد مجتهد شبستری تحت تأثیر این نوع نگرش تفسیری، آن را درباره متون دینی اسلامی، از جمله قرآن مطرح ساخته است، بر اساس چنین دیدگاهی مطرح می‌شود که در عالم انسان، واقعیتی به نام قرائت قطعی الإنطباق نداریم و همه قرائت‌ها ظنی و اجتهادی است و همواره پیدایی قرائت‌های جدید امکان دارد و از جهت منطقی، هیچ مانعی برای آن وجود ندارد (شبستری: ۱۳۸۱: ۲۴۷). وی در تعبیر دیگری می‌گوید: مسلمات دانش هرمنوتیک و دانش تاریخ به ما می‌گوید: فهم و تفسیر هیچ متن دینی و بازسازی هیچ حادثه تاریخی بدون پیش فهم‌ها و پیش فرض‌ها و انتظارات و علایق ممکن نیست (همان). نتیجه عقیده پیش گفته این است که هر فردی بر اساس پیش فرض و انتظارات خاصی سراغ تفسیر قرآن می‌رود و در نتیجه به تعداد افراد،

تفسیرهای مختلف از قرآن داریم و هیچ تفسیری هم قطعی نیست. همان طور که ملاحظه می‌شود، این گرایش تفسیری هم می‌تواند یکی از مبانی قرائت‌های گوناگون از قرآن باشد.

نوع شناسی قرائت‌های دینی

برای نوع شناسی قرائت‌های دینی، انواع متفاوتی توسط صاحب نظران مطرح شده است. معیارها و مبانی این نوع شناسی‌ها متفاوت است اگرچه همپوشی‌هایی هم در بعضی از انواع دیده می‌شود. این نوع شناسی‌ها تا حدود زیادی جنبه مثالی و ایده آلی نوع وبری داشته و شبیه ساختارهای تحلیلی است که ممکن است همیشه با واقعیات انطباق نداشته باشد، ولی می‌تواند قدرت مقایسه و تجزیه و تحلیل را فراهم نماید. (تعدادی از این نوع شناسی‌ها در جدول ۱ به اختصار بیان شده اند).

یکی از این نوع شناسی‌ها متعلق به دکتر عبدالکریم سروش می‌باشد. وی ضمن تأکید بر این که گونه شناسی دین ورزی امری بدیع و جدید نیست سه گونه دین ورزی را مورد بررسی و انکشاف قرار می‌دهد (سروش، ۱۳۷۸: ۲۲). این سه نوع دین ورزی و یا سه نحوه نگرش به دین در میان رهروان یک دین تحت عنوان اصناف دین ورزی «تجربت اندیش»، «معرفت اندیش» و «معیشت اندیش» از هم تفکیک می‌شوند. مشخصه اصلی دین ورزی مصلحت اندیش، تأکید صرف به ظاهر دین و مناسک پرستی، جزمیت و غیرعقلانی یا عاطفی بودن است. ویژگی دینداری معرفت اندیش، عقلانیت و پرسشگری و فاصله گرفتن از جزمیت است که باعث می‌شود تنوعات و تکثرات موجود در عرصه دین و دینداری توسط دینداران خردورز، به رسمیت شناخته شود و بالأخره دین ورزی تجربت اندیش نوعی دینداری مبتنی بر تجربه باطنی و شهود و عرفان است.

جدول ۱: انواع نوع شناسی‌های دینی و تأکید آن‌ها بر ابعاد خاص دین

نظریه پرداز	رهیافت	نوع دینداری	مبانی انواع دینداری	ابعاد دینداری که بر آن تأکید می‌شود
سروش	معرفت	مصلحت اندیش	تأکید بر عاطفه و جزمیت	بعد مناسک و رفتاری
	شناسانه	معرفت اندیش	عقلانیت مدرن	بعد اعتقادی و شناختی
		تجربت اندیش	عقل شهودی و غیر تجربی	بعد تجربی (عاطفی)
مجتهد شبستری	هرمنوتیکی	قرائت رسمی از دین	اسلام فقاهتی با داعیه سیاسی که در آن انسان برای انجام تکالیف دینی به وجود آمده	بعد مناسکی، رفتاری
		قرائت انسانی از دین	دین برای انسان و در خدمت انسان است.	بعد اعتقادی و شناختی و تجربی
ملکیان	معرفت شناسانه	بنیاد گرا	تأکید بر ظواهر دین	شریعت مدار و مناسکی و رفتاری
		تجددگرا	تأکید بر روح دین و عقل استدلال‌گر	اعتقادی و شناختی
		سنت گرا	حداصل بین دونوع قبلی	بعد تجربی (عاطفی)
کدیور	معرفت شناسانه	سنتی	مواجهه فقهی با سنت نبوی	بعد مناسکی و رفتاری
		سنت گرایانه	مواجهه عرفانی با سنت نبوی	بعد تجربی (عاطفی)
		بنیادگرایانه	مواجهه سیاسی با سنت نبوی	بعد مناسکی و رفتاری
		نواندیشانه	مواجهه غایت گرایانه با سنت نبوی (فهم غایات معنوی پیامبر (ص))	بعد اعتقادی و شناختی
ویلیام شپرد	جامعه‌شناسانه (نحوه مواجهه با ارزش‌های مدرن و میزان تمامیت‌گرایی)	سکولار	پذیرش تمامی ارزش‌های مدرن و غربی بدون توجه به ایدئولوژی اسلام (غیر ایدئولوژیک)	-
		تجددگرایی اسلامی	ترکیب مدرنیته و ایدئولوژی‌های غربی و اسلام با اصالت غرب و مدرنیته	اعتقادی و شناختی
		اسلام‌گرایی رادیکال	ترکیب اسلام و مدرنیته با اصالت اسلام	مناسکی و رفتاری
		سنت‌گرایی	طرد مدرنیته و حاکمیت فوری ایدئولوژی اسلام	مناسکی و رفتاری
		سنت‌گرایی جدید	پذیرش محافظه کارانه الگوهای مدرن	بعد اعتقادی و شناختی و تجربی

مبنای تقسیم بندی سروش در انواع دینداری، عقل (انواع و میزان قبض و بسط عقل) است. مثلاً در دینداری مصلحت اندیش از نوع عامیانه آن، عقل تقریباً غایب است و عاطفه بر آن غلبه دارد و به تعبیر وبری کنش‌های این دینداران عموماً کنش‌های عاطفی است و در نوع عالمانه آن عقل عملی محوریت دارد و کنش‌ها عموماً ابزاری است به همین ترتیب مبنای دینداری تجربت اندیش عقل شهودی و مبنای دینداری معرفت اندیش بر اساس عقلانیت مدرن بسیط است که با گرایش علمی - فلسفی با دین و وحی مواجه می‌شود. نکته حائز اهمیت در نوع شناسی سروش این است که اولاً این تقسیم بندی شباهت زیادی با رویکردهای دینی در گذشته دارد. مثلاً دینداری مصلحت اندیش همان رویکرد فقیهانه، و دینداری تجربت اندیش، همان رویکرد عرفانی و دینداری معرفت اندیش، نیز همان رویکرد حکیمانه نسبت به اسلام و سنت نبوی است که در گذشته نیز در میان مسلمانان، موجود بوده است. اشاره خود ایشان به این نکته که گونه شناسی دین ورزی امری بدیع و جدید نیست مؤید همین مطلب است. ثانیاً عمده شاخص‌هایی که در این نوع شناسی ارائه می‌شود ناظر به شاخص‌هایی است که امروزه تحت عنوان ابعاد دین در مباحثات مربوط به سنجش میزان دینداری^۱ مطرح‌اند، نه قرائت‌های دینی که موضوع بحث ماست.

تقسیم بندی دیگر مربوط به دکتر ملکیان است. ایشان نیز نوع شناسی خودشان را بر اساس نوع مواجهه با مدرنیته و ارزش‌های سیاسی آن و نیز میزان استفاده از عقل استدلال‌گر در روایت‌های اسلامی قرار داده‌اند و به سه نوع اسلام بنیادگرایانه، اسلام تجدد گرایانه و اسلام سنت گرایانه اشاره نموده‌اند. مشخصه دینداری بنیادگرا تأکید بر ظواهر اسلام است، نه بر روح پیام اسلام و نص‌گرا و نقل‌گراست. به تکثرگرایی دینی قائل نبوده و با دیدی بدبینانه با فرهنگ غرب و تجدد سر مخالفت دارد. در مقابل، دینداری تجدد گرایانه بر روح پیام اسلام تأکید دارد، نه بر ظواهر آن. تدین را بیش از

هرچیز در اخلاقی زیستن می‌بیند، آن هم اخلاقی این جهانی و انسان گرایانه. به تکرر گرائی دینی قائل است و از تکررگرای سیاسی نیز استقبال می‌کند و بالأخره دینداری سنت‌گرا در حدفاصل بین دو نوع قبلی قرار دارد. در این نوع دینداری، تدین بیشتر نوعی سیر و سلوک باطنی است که در آن رعایت دقیق احکام شریعت و فقه شرط لازم ولی غیر کافی است. دغدغه تأسیس حکومت شریعت مدار و فقه‌گرا ندارد، بلکه بیشتر در پی آن است که در سطح عموم نوعی اخلاق مبتنی بر آموزه «هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز مپسند» رواج یابد (ملکیان، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۰). اگرچه بیان شاخص‌های مبسوط به طور مقایسه‌ای در این سه نوع دینداری از برجستگی‌های این نوع شناسی به شمار می‌رود، لیکن دارای اشکالاتی هم هست که مختصراً به آن اشاره خواهد شد. اولاً ایشان به انواع دیگری از دینداری که در بسیاری از نوع شناسی‌ها بدان اشاره شده توجهی ننموده‌اند. به عنوان مثال، به ویژگی‌های اسلام سنتی به عنوان نوعی دینداری شایع و فراگیر در جامعه ما پرداخته‌اند، اگرچه در پاورقی به وجود آن اشاره کرده‌اند. ثانیاً ایشان بنیادگرایی را نوعی دینداری به حساب آورده‌اند و حال آنکه بنیادگرایی را نه به عنوان نوعی دینداری بلکه می‌بایستی به عنوان نوعی جهت‌گیری به حساب آورد که طیف وسیعی از انواع دینداری‌ها را شامل می‌شود. نقطه مشترک دینداری‌های بنیادگرا بازگشت به اسلام اصیل است. داعیه‌ای که در قرائت‌های دینی متفاوت از هم وجود دارد. مثلاً رادیکالیست‌های اسلامی، سنت‌گرایان جدید، متشرعان سنتی، وهابیون عربستانی و جنبش‌های سلفی معاصر و ... همگی داعیه بازگشت به اسلام اصیل دارند. لیکن نمی‌توان با نادیده گرفتن تمایزاتشان همه آنها را تحت عنوان بنیادگرایان به عنوان نوعی دینداری جای داد.

تقسیم‌بندی مشهور دیگری که وجود دارد مربوط به محمد مجتهد شبستری است که بر اساس یک چارچوب هرمنوتیکی و تکیه بر مقومات تفسیر و فهم متون در دیدگاه خود، دو نوع دینداری را تحت عنوان قرائت رسمی از دین و قرائت غیر رسمی از دین و به تعبیری دیگر قرائت غیر انسانی و قرائت انسانی از دین بازشناسی می‌کند. در واقع

قرائت رسمی از دین همان اسلام فقهاتی است که داعیه حکومت هم دارد. قرائتی که در نوع شناسی‌های دیگر از آن تحت عنوان اسلام ایدئولوژیک، و یا اسلام‌گرایی رادیکال نیز یاد می‌شود. به گفته مجتهد شبستری در این نوع دینداری انسان برای دین است نه دین برای انسان (قرائت انسانی). در حالی که قرائت انسانی از دین که براساس چارچوب هرمنوتیکی و با دید تأویلی شکل می‌گیرد، نوعی دینداری معرفت‌شناسانه است که بر تعامل معارف جدید و معارف دینی مبتنی است. در واقع در حالی که سروش مباحث معرفت‌شناسی خود را بر ارکانی، همچون جدایی دین از معرفت دینی، بشری دانستن معرفت دینی و سلب تقدس از آن، تأکید بر مبادله و گفتگوی معرفت‌های بشری با هم و در نتیجه سیال و ذومراتب بودن فهم از دین، بنا می‌کند، مجتهد شبستری با طرح هرمنوتیکی و تأویلی دین، دریچه‌هایی را برای تعامل معارف جدید و معرفت دینی می‌گشاید. دانش هرمنوتیک و دانش تاریخ به ما می‌گوید "واقعیتی به نام قرائت قطعی الإنطباق از متون دینی اسلامی نداریم و همه قرائت‌ها ظنی و اجتهادی است و همواره پیدایش قرائت‌های جدید امکان دارد و از جهت منطقی، هیچ مانعی برای آن وجود ندارد" (شبستری، ۱۳۸۱: ۲۷۴).

نقدهای بسیار زیادی بر نظرات آقای شبستری صورت گرفته است که تقریباً تمامی آنها از منظر کلامی و فلسفی است و جای ذکر آنها در اینجا نیست. اما از منظر نوع شناسی دینداری‌ها که موضوع بحث ماست این نکته حائز اهمیت خواهد بود که اگرچه فرو کاهیدن انواع قرائت‌های دینی به دو نوع، به مانعیت آن کمک می‌کند ولی در عین حال از جامعیت این نوع شناسی می‌کاهد. مثلاً در قرائت «غیر انسانی از دین» که انسان را برای دین می‌خواهد، قرائت‌های دیگری همچون اسلام ایدئولوژیک، اسلام سنتی، سنت‌گرایی و ... جای می‌گیرند و تمایزات و تفکیک‌های آنها باز شناخته نمی‌شوند. محسن کدیور نیز با اشاره به سه نوع رویکرد فقیهانه، عارفانه و حکیمانه با سنت نبوی در گذشته، معتقد است که در نیم قرن اخیر چهار رویکرد مختلف با سنت نبوی

بلکه با اسلام قابل ذکر است که این چهار رویکرد یکی مربوط به گذشته و سه مورد دیگر مدرن اند. این چهار رویکرد عبارتند از: رویکرد یا مواجهه سنتی، رویکرد سنت گرایانه، رویکرد بنیادگرایانه، رویکرد نواندیشانه. رویکرد سنتی مربوط به گذشته است اما سه مورد دیگر جدیدترند و برخی (مثلاً رویکرد نواندیشانه) حتی به نیم قرن اخیر تعلق دارند. مبنای نوع شناسی کدیور، شیوه مواجهه با سنت نبوی (ص) است که بر حسب این که این مواجهه، فقهی یا عرفانی، سیاسی و یا غایت گرایانه باشد، نوع دینداری‌ها و قرائت از دین نیز متفاوت خواهد شد. در واقع سنتی‌ها، بر چارچوب‌های شکلی و فرمالیستی، سنت گرایان بر بُعد عرفانی و شهودی، بنیادگرایان بر بُعد سیاسی، و نواندیشان دینی بر بُعد احیاءگرایانه دین تأکید می‌کنند. کدیور در بیان شاخص‌های خود برای هر یک از این انواع دینداری، علاوه بر شیوه مواجهه، عنوانی که دینداران برای حضرت رسول (ص) قائلند و نیز مهمترین آیاتی از قرآن را که فرا راه خود قرار می‌دهند و نیز مفهوم شاخصی را که در هر یک از آنها برجسته است (مثلاً مفهوم اطاعت در نزد سنتی‌ها، ولایت در نزد سنت گرایان، جهاد و شهادت در نزد بنیادگرایان و مفهوم حیات طیبه در نزد نواندیشان) به عنوان معرف‌های هر یک از دینداری‌ها بیان نموده است. وی اگرچه به طرد و پذیرش مدرنیته در بعضی دینداری‌ها فقط اشاره نموده است ولی در مقاله خود آن را بسط نداده است، اگرچه در مقالات دیگری از ایشان در خصوص سازگاری یا ناسازگاری دین و مدرنیته، نحوه مواجهه با مدرنیته را نزد انواع دینداران اندکی بیشتر بسط داده است (ن. ک: داد و ستد اسلام و مدرنیته، ۱۳۸۵).

شاخص‌های برشمرده شده توسط آقای کدیور عمدتاً معطوف به بحث‌های کلامی است. اما ایشان در مقاله دیگری تحت عنوان «اسلام و دموکراسی» و نیز «حقوق بشر، شهروندی و دین»، ضوابط و ویژگی‌های دو نوع اسلام سنتی و نواندیشانه را برشمرده‌اند که توجه به میزان دخالت عقل انسانی در برخورد با شریعت و نیز بعضی از ویژگی‌های

مدرنیته از جمله این ویژگی‌هاست.^۱ ضمن اینکه در خصوص ضوابط و ویژگی‌های دینداری سنت‌گرایانه و بنیادگرایانه دست کم از طرف نویسندگان تاکنون مطلبی از ایشان مشاهده نشده است.

یکی دیگر از این نوع‌شناسی‌ها، کارویلیام شپرد^۲ است که بر اساس رابطه دین و ایدئولوژی و چگونگی نگرش به مدرنیته صورت گرفته است و نتیجه ۷ سال مطالعه او در سرزمین‌های اسلامی و از جمله ایران است. شپرد انواع دینداری‌ها را به عنوان مقوله‌های کاملاً جدا در نظر نمی‌گیرد بلکه آنها را به عنوان نقطه‌هایی بر روی یک طیف دو بعدی قرار می‌دهد که یک بعد آن کلیت (تمامیت) گرائی اسلامی و بعد دیگرش تجدد (مدرنیته) است. این نظر شپرد در نمودار زیر ترسیم شده است.

تجدد

سکولاریسم افراطی

سکولاریسم معتدل

تجدد گرائی اسلامی

اسلام‌گرایی رادیکال

سنت گرائی جدید همسازگرا

سنت‌گرایی جدید طردگرا

سنت گرائی همسازگرا

سنت گرائی طردگرا

(شپرد، ۱۹۸۷: ۳۲۱)

تمامیت‌گرایی اسلامی

وی پنج نوع دینداری سکولار، تجدد‌گرایی اسلامی، اسلام‌گرایی رادیکال، سنت‌گرایی جدید و سنت‌گرایی را بازشناسی نموده است. تقسیم‌بندی وی مبتنی بر نوع طبقه‌بندی عکس‌العمل‌ها و پاسخ‌ها به نفوذ غرب و راه‌حلی برای احیای اسلام در

۱- برای اطلاع از متن مقالات آقای کدیور می‌توان به سایت ایشان مراجعه نمود. www.kadivar.com

عصر حاضر است. او ویژگی‌های مهم هر یک از انواع دینداری را خصوصاً از بعد دوری و نزدیکی با مدرنیته و رابطه دین و ایدئولوژی بر می‌شمرد و هر یک از انواع را نیز به چند دسته تقسیم می‌کند. به طور مثال سکولاریسم را به افراطی و معتدل و سنت‌گرایی را به همسازگرا و طردگرا تقسیم می‌کند تا به این طریق مطالعه او انواع متفاوت دینداران را در بر بگیرد و از جامعیت بالایی برخوردار باشد. این جامعیت به حدی است که اگر حتی از انواع فرعی دینداری‌های او صرف نظر کنیم، تا حد زیادی پوشاننده سایر نوع‌شناسی‌هاست و این یکی از دلایل انتخاب نوع‌شناسی شپرد برای بررسی انواع دینداری‌ها در این تحقیق بوده است. به عنوان مثال دینداری معرفت‌اندیش (سروش)، دینداری تجددگرای ملکیان، قرائت انسانی از دین (مجتهد شبستری)، دینداری نواندیشانه (کدیور) و دینداری تجددگرایی اسلامی شپرد همپوشی‌های بسیار زیادی با هم دارند. ضمن اینکه این نوع دینداری‌ها عموماً بر بُعد شناختی و اعتقادی التزام دینی تأکید می‌گذارند تا مناسک و ظواهر دین. به همین ترتیب، دینداری تجربت‌اندیش (سروش) که نوعی دینداری باطنی - عرفانی است، دینداری سنت‌گرایانه (ملکیان)، دینداری سنت‌گرایانه (کدیور) با دینداری سنت‌گرایی جدید (همسازگرا) شپرد، مشابه هم هستند و یک دلیل این تشابه این است که تقریباً همگی صاحب‌نظران نماینده چنین دینداری را دکتر سید حسین نصر می‌دانند. این نوع دینداری‌ها هم عموماً بر بعد تجربه دینی تأکید می‌کنند تا سایر ابعاد دینداری.

همچنین دینداری مصلحت‌اندیش (سروش)، دینداری سنتی (ملکیان)، قرائت رسمی از دین (مجتهد شبستری)، دینداری سنتی (کدیور) و دینداری سنت‌گرایانه (ناب) شپرد که مبنای همگی آنها فقه سنتی و شریعت است و بر ابعاد مناسکی و ظاهری التزام دینی تأکید می‌گذارند، شباهت بسیار زیادی با یکدیگر دارند و نیز دینداری اسلام‌گرایی رادیکال شپرد که در واقع امر، نوعی دینداری ایدئولوژیک است، می‌تواند پوشاننده دینداری‌های ایدئولوژیک ابراز شده در سایر نوع‌شناسی‌ها باشد. این امر نشان‌دهنده جامعیت بالای این نوع‌شناسی می‌باشد. اما با وجود این تشابهات و وجوه اشتراک، باید

خاطر نشان نمود که اولاً: نظر واحدی در خصوص انواع دینداری وجود ندارد و متناسب با چارچوب‌ها و مبانی خاص هر صاحب‌نظر، انواع خاصی از دینداری مطرح می‌شود. ثانیاً: انواع دینداری‌های مطرح شده در این بخش، انواع و نمونه‌های عالی هستند که همچون تیپ ایده آل وبری، عمدتاً ارزش روش شناختی دارند و ممکن است همیشه با واقعیات انطباق نداشته باشند و لذا نباید به دنبال مصادیق عینی و ما به ازای کامل و تام و تمام آنها بود، ولی می‌توانند قدرت مقایسه و تجزیه و تحلیل را فراهم نمایند. نکته‌ای که شپرد هم به آن اشاره نموده است. (معرف‌های انواع دینداری از نظر شپرد در جدول ۲ آمده است). با توجه به بحث‌های انجام شده در دو بخش اخیر، فرضیه‌های زیر قابل طرح خواهد بود:

اولاً: بین میزان دینداری و نوع دینداری افراد رابطه وجود دارد، به نحوی که هرچه میزان دینداری یا التزام دینی افراد کمتر باشد، نوع دینداری نیز به طرف سکولاریسم سیر خواهد نمود و بالعکس هرچه میزان دینداری بالاتر باشد نوع دینداری به سمت سنت‌گرایی تمایل خواهد داشت.

ثانیاً: با توجه به اینکه هر یک از انواع دینداری‌ها بر ابعاد خاصی از دینداری تأکید می‌کنند، پس می‌توان گفت که میان حاملان انواع دینداری یا همان قرائت‌های دینی از حیث ابعاد دینداری، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۲: شاخص انواع دینداری از نظر ویلیام شیرد

عنوان	نوع تلقی از دین	تاکید بر	گرایش این جهانی آن جهانی	آیة پیشرفت	جهت گیری فکری	انجهد یا انجوه بازسازی اسلام در عصر حاضر	معرفت ها / نوع دینداری
عزت مشکلات اسلام	سنت اسلامی	مردم دنیا، محافظت شریعت اسلامی	گرایش این جهانی	نگاه بر پیشرفت یا نبیت از یک طرف، غرضی	مدون	رد و برگرد، ملاحظه دینی در اجناس از غرب	سنگولاراسم
ثبیت کامل از یک مدل غرضی برای حل مشکلات	سنت اسلامی	دین به عنوان صورت فرسنگی و جزئی از تربیت ملی	گرایش این جهانی	نگاه بر پیشرفت یا نبیت از یک طرف، غرضی	مدون	رد و برگرد، ملاحظه دینی در اجناس از غرب	سنگولاراسم
دائمی دامن مشکلات جهان اسلام	فقه سنت اسلامی یا فقهی بر مبنای دینیه	تاکید بر تلقی سنگولاراسم و اسلامی باطنی مدارا، همپایه و مسالمت آمیز	گرایش این جهانی	پیشرفت و رفاهی یا ترکیب اسلام و غرب	تواند بینشانه	انعطاف پذیری شدید و قابل بودن به ارزش زیاد برای عقل و انجهد (مدون کردن اسلام)	تجدیدگرایی اسلامی
استعداد غرب (بخارجی دامن مشکلات جهان اسلام و انصاف آن به استعداد غرب)	جداقت خرافات از سنت یا فقهی بر اسلام ناب	مدنی، سامان فوری شریعت باطنی اسلامی و عجزت آمیز	وجه اسلام به همه ایامه زنده گئی این جهانی و آن جهانی	پیشرفت ایده زرفی یا نبیت از مدل اسلام مغربی	بنیاد گراییه	انجهد در موارد غیر نص (اسلامی کردن مادیته)	رادیکالاسم اسلامی
دائمی دامن مشکلات جهان اسلام	فقه مادیته یا فقهی بر سنت اسلامی	ورات اسطوره ای و نمادی از سنت و دین اسلام صوری و عرفانی	گرایش به فطوری آن جهانی	تهدید بسیار کم به ایده پیشرفت به سنگ فطری	بنیاد گراییه	انجهد در چارچوب سنت (انقباض موزدی کی با مطالب و رسوم انجصاصی کاری بدانشه باطله)	سنت گرایی جدید
جارجی دامن مشکلات جهان اسلام	مطلق کامل سنت به شکل کوری	ورات اسطوره ای و نمادی از سنت و دین اسلام ارجح جهانی به خرافات سنتی	گرایش آن جهانی (مقابل دو نظریه)	محالته تهدید با ایده پیشرفت به سنگ فطری	بنیاد گراییه	انجهد محدود در چارچوب سنت، راه های مقبول گذشته برای تغییر کافی است (مدم از دم شایعته مادیته و انقباض از آن)	سنت گرایی

روش شناسی:

روش این تحقیق پیمایشی است: جمعیت آماری تحقیق را دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که در مقاطع کارشناسی و بالاتر در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ مشغول به تحصیل بوده‌اند، تشکیل می‌دهند. تعداد این دانشجویان ۱۳۲۱۴۴ نفر بوده که با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران و با دقت احتمالی ۰.۴٪ تعداد نمونه ۷۰۷ نفر محاسبه شد. شیوه نمونه گیری، تصادفی طبقه بندی شده متناسب بوده و تعداد نمونه‌ها متناسب با جمعیت هر گروه تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، دامپزشکی، کشاورزی، پزشکی و هنر) و مقاطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالاتر) و نیز جنس (زن و مرد) در دانشگاه‌های تهران توزیع شده‌اند. ضمن این که نسبت رشته تحصیلی و ترم تحصیلی نیز در پاسخگویان رعایت شده است.

نحوه سنجش متغیرها:

همانگونه که فرضیه‌های مطرح شده نشان می‌دهند، در این مقاله متغیر وابسته نوع دینداری و متغیر مستقل اصلی، میزان دینداری است. در این قسمت به تعریف عملیاتی یا نحوه سنجش این متغیرها می‌پردازیم.

سنجش نحوه التزام دینی یا میزان دینداری:^۱

در سنجش میزان دینداری با الهام از سنجه به کار رفته توسط پژوهشگران قبلی - سراج زاده، ۱۳۷۷؛ طالبان، ۱۳۸۰، موحد و عنایت، ۱۳۸۵ - از مدل گلاک و استارک (گلاک و استارک، ۱۹۷۱: ۱۹-۲۰) استفاده شده است. این مدل توسط بسیاری از محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی جهت سنجش دینداری افراد مورد تأیید و

استفاده قرار گرفته است. گلاک و استارک اعتقاد دارند که در همه ادیان دنیا، ضمن تفاوت‌هایی که در جزئیات آنها وجود دارد، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دینداری در آن متجلی می‌شود. این عرصه‌ها را می‌توان ابعاد اصلی دینداری به حساب آورد. در این مدل پنج بعد اعتقادی یا ایدئولوژیک،^۱ رفتاری یا مناسکی^۲، دانشی یا شناختی،^۳ احساسی یا تجربی^۴ و پیامدی^۵ برای دینداری در نظر گرفته شده است که با الهام از پژوهش‌های فوق، بعد شناختی در تعریف عملیاتی دینداری مورد استفاده قرار نگرفت. به این دلیل که اولاً: دانش افراد به عوامل زیادی به خصوص قدرت حافظه و میزان تحصیلات آنها بستگی دارد و ثانیاً: در کشورهایمانند کشور ما که آموزش دین جزء آموزش‌های اجباری در مدارس و دانشگاه‌هاست، این بُعد (شناخت فکری) معرف مناسبی برای دینداری نیست (سراج زاده، ۱۳۸۰: ۱۷۵).

شاخص سنجش میزان دینداری در چهار بُعد اعتقادی، تجربه دینی، پیامدی و مناسکی، شامل ۱۵ گویه بود که چنانکه قبلاً گفته شد اکثر گویه‌ها قبلاً در تحقیقات علمی آزمون شده و مناسب سنجش میزان دینداری ایرانیان می‌باشند. لازم به ذکر است که مقدار آلفای این شاخص در این بررسی ۹۱٪ بوده است.

نحوه سنجش انواع دینداری

در سنجش نوع دینداری برای این پژوهش نوع شناسی ویلیام شپرد که بر اساس خصوصیات جوامع اسلامی طراحی شده، مبنای پژوهش قرار گرفته است. شپرد در نوع شناسی خود انواع دینداری‌ها در جوامع اسلامی را به این شرح طبقه بندی نموده است:

1. ideological
2. ritualistic
3. intellectual
4. experimental
5. consequential

* دینداری سکولار^۱ (افراطی و معتدل)

* دینداری تجددگرایانه^۲

* دینداری اسلام گرائی رادیکال^۳

* دینداری سنت گرایانه^۴ که خود به دو نوع طردگرا و همسازگرا قابل تقسیم است.

* دینداری سنت گرایانه جدید^۵ که این نوع دینداری نیز به دو نوع طردگرا و

همسازگرا قابل تقسیم است (شپرد، ۱۹۸۶ و ۲۰۰۴).

منظور از اصطلاح سکولاریسم در اینجا عبارت است از هر بینشی که به صورت باز

از هر نوع ایدئولوژی سواى اسلام، در اکثر عرصه‌های حیات عمومی استفاده می‌کند. البته

افراطی ترین شکل سکولاریسم عبارت است از آن دسته از اندیشه‌ها که در صدد آن

است تا در سراسر عرصه‌های عمومی و خصوصی جایگزین اسلام شود. به هر حال چنین

سکولاریسم افراطی در کشورهای مسلمان غیر متعارف است. شکل رایج تر آن

سکولاریسم معتدلی است که در پی تفکیک مذهب از سایر شئون زندگی عمومی است.

تأکید بر این مطلب بسیار مهم است که سکولاریسم معتدل ضرورتاً غیر مذهبی^۶ نیست،

بلکه یک سکولاریست می‌تواند همه مراسم عبادی اسلامی را اقامه کند و در زندگی

شخصی خود از یک مجموعه اخلاق اسلامی تبعیت کند. سکولاریست‌ها ممکن است

همچنین مذهب را به عنوان یک حامی ضروری و آرمانی^۷ برای اخلاق شخصی و نیز

عمومی و عنصری ضروری برای رویش احساسات منفک از عقل، تلقی کنند (شپرد،

۱۹۸۷: ۳۱۱-۳۰۹). تجددگرایی اسلامی نیز، به هر حال توسط تمایل بسیار نیرومند به

انعطاف‌پذیری در اسلام و میدان زندگی عمومی و استفاده از این انعطاف‌گرایی در تفسیر

-
1. Secularism
 2. Islamic Modernism
 3. Radical Islamism
 4. Islamic Traditionalism
 5. Neo Islamic Traditionalism
 6. irreligious
 7. desirable

اسلام و بر وفق یا دست کم در ارتباط بسیار مثبت^۱ با یک یا چند ایدئولوژی غربی، تقویت و مشخص می‌شود. تجددگراها همچنین بر این اعتقاد اصرار دارند که اصول اجتماعی اسلامی ظرفیت توسعه و توانایی هم عرض با زمان را دارا هستند (شپرد، ۱۹۸۶: ۱۲-۳۱۱). ولی این توسعه و توانایی - تطبیق - اصول اسلامی با مدرنیته امروزی، با اصالت دادن به مدرنیته خواهد بود. منظور شپرد از رادیکالیسم اسلامی جهت گیری فکری بسیاری از کسانی است که غالباً بنیادگرا خوانده می‌شوند.

اسلام گرایان رادیکال بیش از دیگران بر فوریت عملی ساختن شریعت تأکید می‌ورزند، اسلام نه تنها آرمانی است که باید شناخته شود و به آن بازگشت داده شود بلکه قانونی است که باید مورد عمل و تبعیت قرار گیرد. بر خلاف تأکید صریح بر اصالت اسلامی، اسلام گرایی رادیکال هنوز بسیار مدرن است و بسیاری از فرآورده‌های غربی را اقتباس می‌کند.

به هر حال رسالت آگاهانه اسلام گرایی رادیکال این است که جایی که «اقتباس» مطرح است، باید سیستم سمبلیک اسلامی آن را کنترل کند. خصوصاً به لحاظ سمبل‌های ایدئولوژیک، مسئله مهم این است که «اقتباس‌ها» ریشه و روش اسلامی داشته باشد (شپرد، ۱۹۸۶: ۳۱۷-۳۱۴). به تعبیر دیگر می‌توان گفت که اسلام گرایی رادیکال در مواجهه با ارزش‌های مدرن، می‌خواهد آن‌ها را اسلامی کند. سنت گرا را می‌توان چنین تعریف کرد که تعهد اعتقادی او عمدتاً «مخلوط خاصی از محتویات شریعت و غیر شریعت» است که خصوصیت خود را در نوع مواجهه با نفوذ غرب مشخص می‌سازد و همچنین از وارد کردن تنازع غربی به قلمرو اعتقادی خود شدیداً دوری می‌کند و بالأخره عمق تهدید نفوذ غرب را کاملاً و به طور جامع بازشناسی نمی‌کند. سنت گرایان کسانی هستند که احساس می‌کنند راه‌های مقبول گذشته برای تغییر کافی است و موقعی که سنت گرایی در صدد درگیر شدن عمیق با مسائل غربی می‌شود، تبدیل به «سنت گرایی جدید» می‌شود. سنت گرایی جدید می‌تواند به دو شکل افراطی «طردگرا و همسازگرا» لحاظ شود. این نحله همچنین کمتر در پی آن است که ایده‌ها و ارزش‌های غربی را

درونی سازد. کمتر به تحقق فوری و عملی ایده آل‌های اسلامی اصرار می‌ورزد و در پی آن است تا عمق و پیچیدگی اسلامی گذشته را آنچنان که در تعلیمات علما و حکمت صوفیه^۱ مندرج است، بیشتر از انواع مدرن تر آنها معتبر بشمارد (شپرد، ۱۹۸۶: ۲۰-۳۱۷). سنت گرایان به طور کلی با مدرنیته و ظواهر آن مخالفت می‌کنند، اما برخورد سنت گرایان به صورت نا آگاهانه و مخالفت شدید است در حالی که برخورد سنت گرایان جدید با مظاهر تمدن غرب مبتنی بر برخورد نقادانه و آگاهانه است.

در مجموع به طور خلاصه شاخص شپرد در مورد نوع دینداری‌ها را می‌توان بر اساس تعدادی معرف^۲ از هم تفکیک کرده و آنها را با یکدیگر مقایسه نمود. این معرف‌ها برای انواع دینداری در جدول ۲ مشخص شده‌اند. لازم به ذکر است که انواع فرعی نوع شناسی شپرد حذف شده و در دینداری سکولار نیز فقط ویژگی‌های سکولاریسم معتدل مدنظر قرار گرفته است.

جهت عملیاتی کردن مفهوم نوع دینداری برای هر کدام از مؤلفه‌های دینداری (ایده پیشرفت، گرایش این جهانی / آن جهانی، نوع تلقی از دین، تأکید بر عمل / تفکر، شیوه بازسازی اسلام در عصر حاضر، علت مشکلات اسلام، نحوه تلقی از سنت اسلامی و غیره) یک سؤال پنج گویه‌ای (جمعاً ۱۴ سؤال پنج گویه‌ای) که هر گویه معرف نوع خاصی از دینداری‌های پنج گانه بود، طرح و پس از تایید آنها توسط آقای شپرد به پاسخگویان ارائه و از آنها خواسته شد که در هر سؤال فقط یکی از گویه‌ها را که با نظرات آنها بیشتر تطبیق می‌کرد، انتخاب نمایند. در هر سؤال برای گویه‌های سکولار، نمره یک، تجددگرا نمره دو، اسلام گرائی رادیکال نمره سه، سنت گرایی جدید نمره چهار و سنت گرایی (قدیم) نمره پنج در نظر گرفته شد. بنابراین شاخص انواع دینداری شامل ۱۴ سؤال ۵ گویه‌ای با دامنه تغییر ۱ تا ۷۰ بود که در سطح ترتیبی و فاصله‌ای قابل اندازه‌گیری است مقداری آلفای این شاخص برابر با ۰/۷۵ بوده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی:

ویژگی‌های زمینه‌ای:

از نظر ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان باید گفت که: ۵۲/۶٪ از پاسخگویان دختر و ۴۷/۴٪ آنها پسر بوده‌اند. از نظر سنی بیشتر از نیمی از دانشجویان در گروه سنی ۲۲-۱۸ سال، ۳۴/۸٪ گروه سنی ۲۶-۲۳ سال و ۱۰/۵٪ نیز بالای ۲۷ سال سن دارند. از نظر تأهل اکثریت قاطع دانشجویان (۹۱/۱٪) مجرد و فقط ۸/۲٪ متأهل بوده‌اند. از نظر گروه تحصیلی، ۲۹٪ در گروه علوم انسانی، ۲۵/۹٪ در گروه فنی و مهندسی، ۱۲/۳٪ در گروه علوم پایه، ۱۵/۷٪ در علوم پزشکی، ۹/۳٪ در گروه تحصیلی هنر و ۶/۵٪ در گروه کشاورزی و دامپزشکی بوده‌اند. و بالأخره از حیث مقطع تحصیلی توزیع پاسخگویان به این ترتیب بوده است: ۵۹/۱٪ در مقطع کارشناسی، ۲۳/۲٪ کارشناسی ارشد، ۱۴/۹٪ کتری حرفه‌ای و ۲/۴٪ در گروه دکتری تخصصی.

۲-۱- میزان و ابعاد دینداری

جدول ۳ - توزیع فراوانی دانشجویان برحسب میزان و ابعاد دینداری

میزان ابعاد دینداری	قوی	متوسط	ضعیف	میانگین با دامنه یک تا پنج
بعد اعتقادی	۸۴/۵	۹/۸	۵/۷	۴/۴۱
بعد تجربی	۷۱/۱	۲۴/۳	۴/۶	۳/۸۹
بعد پیامدی	۶۹/۸	۲۸/۷	۱/۵	۳/۸۱
بعد مناسکی	۲۵	۴۵	۳۰	۳/۰۶
دینداری کلی	۶۷/۶	۲۵/۲	۷/۲	۳/۸۴

میزان دینداری دانشجویان که با سنجه ای بر اساس مدل گلاک و استارک بررسی شده به شرح جدول ۳ می باشد. ارقام این جدول نشان دهنده آن است که در دو بعد ذهنی تر و درونی تر دینداری - ابعاد اعتقادی و تجربی - اکثریت بالایی (حدود دوسوم) دارای دینداری بالا ارزیابی می شوند اما در ابعاد عینی تر و اجتماعی تر - پیامدی و مناسکی - میزان دینداری کاهش یافته و ملاحظه می شود که حدود یک سوم دانشجویان در بُعد رعایت مناسک دینی ضعیف هستند و به طور کلی هرچه از بعد اعتقادی به بُعد مناسکی نزدیک شویم میانگین نمرات دانشجویان کاهش می یابد. در عین حال شاخص دینداری کل که از ترکیب این چهار بُعد ساخته شده حاکی از آن است که ۶۷/۶٪ در گروه دینداری زیاد، حدود یک چهارم در گروه متوسط و یک اقلیت کوچک ۷/۲ درصدی در گروه دینداری کم طبقه بندی شده اند.

۱-۳: انواع دینداری:

جدول ۴: توزیع فراوانی دانشجویان بر حسب انواع دینداری (قرائت دینی)

نوع دینداری	تعداد	درصد
سکولار(معتدل)	۱۱۳	۱۶/۶
تجددگرا	۲۳۶	۳۴/۸
اسلام گرایان رادیکال	۱۹۱	۲۸/۱
سنت گرایی جدید	۹۷	۱۴/۳
سنت گرایی (خالص)	۴۲	۶/۲
بدون پاسخ	۲۸	--
جمع	۷۰۷	۱۰۰

مطابق اطلاعات جدول ۴ ملاحظه می‌شود که بیشترین تعداد دانشجویان یعنی به میزان ۳۴/۷٪ تجددگرا هستند. صاحبان این نوع دیدگاه یا قرائت دینی کسانی هستند که به بهره‌گیری از قدرت عقل و استدلال و عقلانیت در تفسیر دستورات دینی و تطابق دین با مسائل جدید، بهای بسیاری می‌دهند و در مواجهه اسلام و مدرنیته اصالت را به مدرنیته می‌دهند، به این معنا که اسلام بایستی خود را با مدرنیته تطبیق دهد و یا اسلام باید مدرن شود. در مرتبه بعدی، اسلام‌گرایان رادیکال به میزان ۲۸٪ قرار دارند. صاحبان این دیدگاه در مواجهه و تقابل دین با مدرنیته اصالت را به دین (اسلام) می‌دهند، به تعبیری دیگر قائل به این هستند که مدرنیته باید اسلامی شود. در مرتبه بعدی سکولارها و سنت‌گرایان جدید به میزان‌های ۱۶/۵ و ۱۴/۲٪ قرار دارند. سکولارها (البته از نوع معتدل آنها که گویه‌ها بر اساس آن تنظیم شده بود) افرادی هستند که در مواجهه با مسائل، دیدگاه‌های دینی را دخالت نمی‌دهند و لزوماً ضد دین هم نیستند. سنت‌گرایان جدید افرادی هستند که دیدگاهی محافظه‌کارانه در مواجهه با اسلام و مدرنیته اتخاذ می‌کنند و البته مقابله آنها با مسائل جدید از نوع فکری است. و بالأخره سنت‌گرایان (ناب یا خالص) با میزان ۶٪ در آخرین رده قرار دارند. اینان کسانی هستند که دیدگاهی طردگونه و خشونت‌آمیز نسبت به مدرنیته دارند، اگرچه بعضی از لوازم مدرنیته مانند تکنولوژی را می‌پذیرند.

لازم به ذکر است که شپرد سه نوع دینداری اسلام‌گرایی رادیکال، سنت‌گرایی جدید و سنت‌گرائی را دارای جهت‌گیری بنیادگرایانه می‌داند. لذا مطابق نظر او ۴۸/۲٪ از دانشجویان یعنی صاحبان دیدگاه‌های سه‌گانه فوق دارای این جهت‌گیری در دینداریشان هستند و تقریباً بیش از نیمی دیگر از دانشجویان یعنی حدود ۵۱/۲٪ دارای دیدگاه‌های تجددگرا و سکولار می‌باشند که غیر بنیادگرا است.

۲- یافته‌های تبیینی:

۲-۱- رابطه میزان دینداری (التزام دینی) با نوع دینداری (قرائت دینی):

همانگونه که در مبانی نظری بدان اشاره شد معمولاً میزان دینداری را هسته مرکزی دینداری یا قرائت دینی را لایه پیرامونی آن به حساب می‌آورند که در عین حال همبستگی متقابلی میانشان برقرار است. یعنی گاهی قرائت‌های خاص به دینداری‌های مشخصی منجر می‌شود و گاهی از دل دینداری‌های مشخص، قرائت و تلقی‌های خاصی از دین بیرون می‌آید (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۵۶). مثلاً کسانی که دینداریشان در بُعد تجربی و احساسی قوی باشد، نوع دینداریشان هم به سمت دینداری‌های عرفانی سیر می‌کند و یا کسانی که در بُعد مناسک خیلی قوی باشند نوع دینداری آن‌ها هم به سمت سنت‌گرایی سیر خواهد نمود. با توجه به مطالب فوق در این بررسی سعی شد رابطه این دو متغیر مورد سنجش قرار گیرد.

نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون حاکی از آن است که نوع دینداری (قرائت دینی) دانشجویان با میزان دینداری آنها ($r = ۰/۶۴$ ، $s = ۰/۰۰۰$) در سطح ۹۹٪ اطمینان معنی‌دار شده است. همچنین نتایج این آزمون در جدول ۵ نشان می‌دهد که رابطه نوع دینداری پاسخگویان با بُعد میزان دینداری یعنی اعتقادات دینی ($r = ۰/۵۴$ ، $s = ۰/۰۰۰$)، تجربه دینی ($r = ۰/۴۲$ ، $s = ۰/۰۰۰$)، پیامد دینی ($r = ۰/۴۴$ ، $s = ۰/۰۰۰$) و نیز با بُعد مناسک دینی آنها ($r = ۰/۵۸$ ، $s = ۰/۰۰۰$) در سطح ۹۹٪ اطمینان معنی‌دار شده است. بدین معنی که با افزایش یا کاهش میزان دینداری دانشجویان، نوع دینداری آنها نیز متفاوت می‌شود. یعنی اینکه به موازات کاهش میزان دینداری در ابعاد پیش گفته، نوع دینداری دانشجویان به طرف سکولاریسم سیر می‌کند و در جهت عکس با افزایش میزان دینداری، نوع دینداری هم به طرف سنت‌گرایی سیر می‌کند.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون پیرامون نوع دینداری بر حسب ابعاد دینداری

ضریب همبستگی پیرسون	اعتقادات دینی	تجربه دینی	پیامد دینی	مناسک دینی	میزان دینداری
نوع دینداری (قرائت دینی)	$r = ۰/۵۴$ $S = ۰/۰۰۰$	$r = ۰/۴۲$ $S = ۰/۰۰۰$	$r = ۰/۴۴$ $S = ۰/۰۰۰$	$r = ۰/۵۸$ $S = ۰/۰۰۰$	$r = ۰/۶۴$ $S = ۰/۰۰۰$

۲-۲: رابطه ابعاد دینداری با نوع دینداری (قرائت دینی)

جدول ۶ تحلیل واریانس یک طرفه ابعاد دینداری پاسخگویان را با انواع دینداری آنها نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود میانگین نمرات بُعد اعتقادی در میان ۵ نوع دینداری حاکی از آن است که میانگین نمرات سکولارها (۱۷/۲) با میانگین ۴ نوع دیگر دینداری تفاوت معنی داری دارد و میانگین نمرات در میان ۴ نوع دینداری تجددگرایی اسلامی، اسلام گرائی رادیکال، سنت گرایی و سنت گرایی، جدید تقریباً یکسان است. به عبارت دیگر نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری میان تجددگرایان - که متهم به بی اعتقادی دینی می‌شوند - با سایر دینداران، حتی سنت گرایان وجود ندارد. (تجددگرایی ۲۲/۸، اسلام گرائی رادیکال، ۲۳/۶، سنت گرایی جدید ۲۳/۹ و سنت گرایی ۲۳/۲). بر این اساس مقدار آزمون $F = ۵۴$ و سطح معنی داری به دست آمده ($S = ۰/۰۰۰$) مؤید این تفاوت است. بنابراین سکولارها با اطمینان ۹۹٪ کمترین تقید را به اعتقادات دینی در مقایسه با انواع دیگر دینداران دارند. انجام آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بین دو متغیر نوع دینداری و تجربه دینی، رابطه معنی دار مطلوبی را نشان می‌دهد ($f = ۲۷/۲$ ، $s = ۰/۰۰۰$). بدین معنی که کمترین تجربه (احساس) دینی در بین سکولارها وجود دارد و در مقابل آن سایر دینداران قرار دارند که دارنده بیشترین نمره

میانگین مربوط به تجربه دینی هستند. از این حیث نیز تجدد گرایان، تفاوت معنی داری با سایر دینداران مسلمانان ندارند.

رابطه نوع دینداری با بُعد پیامد دینی ($f = ۲۷/۲$ ، $s = ۰/۰۰۰$) و بعد مناسک دین ($f = ۴/۶۲$ ، $s = ۰/۰۰۰$) نیز معنی دار شده است که باز عمده ترین تفاوت، بین گروه سکولارها و تجددگرایان با سایر دینداران است.

همانگونه که مقایسه میانگین‌های انواع دینداری در هر بُعد دینداری نشان می‌دهد با افزایش میانگین نمرات میزان دینداری در هر بعد، نوع دینداری به سمت سنت گرایی سیر می‌کند و در جهت عکس با کاهش میانگین‌ها، دینداری به طرف سکولاریسم متمایل می‌شود.

نتایج آزمون شفه در خصوص رابطه ابعاد دینداری پاسخگویان با نوع دینداری آنها نشان می‌دهد که در بُعد اعتقادی میانگین نمرات سکولارها تفاوت معنی داری با ۴ نوع دیگر دینداران دارد. در بعد تجربی نیز این تفاوت معنادار را در میان سکولارها با ۴ نوع دیگر دینداران ملاحظه می‌نماییم. در بُعد پیامدی علاوه بر این که سکولارها، میانگین نمراتشان، با سایر انواع دینداری تفاوت معنی داری دارد، میانگین نمرات تجددگرایان نیز تفاوت معنی داری با میانگین نمرات سکولارها و اسلام گرایان رادیکال و سنت گرایان جدید و سنت گراها نشان می‌دهد و بالأخره در بعد مناسکی نیز شبیه بعد پیامدی نتایج آزمون شفه نشان می‌دهد که میانگین نمرات سکولارها و تجددگراها با میانگین نمرات سایر دینداران تفاوت معنی داری دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه پیرامون نوع دینداری دانشجویان بر حسب ابعاد دینداری آنها

آزمون	میانگین	تعداد	انواع دینداری	ابعاد دینداری
F = ۵۴ S = ۰/۰۰۰	۱۷/۲	۷۵	سکولار	بعد اعتقاد دینی
	۲۲/۸	۱۶۶	تجددگرایی	
	۲۳/۶	۱۵۱	اسلام گرایی رادیکال	
	۲۳/۹	۷۶	سنت گرایی جدید	
	۲۳/۲	۲۵	سنت گرایی	
F = ۲۷/۲ S = ۰/۰۰۰	۹/۱	۷۶	سکولار	بعد تجربه دینی
	۱۱/۹	۱۶۹	تجددگرایی	
	۱۲/۵	۱۵۰	اسلام گرایی رادیکال	
	۱۲/۹	۷۵	سنت گرایی جدید	
	۱۲/۴	۲۴	سنت گرایی	
F = ۲۷/۲ S = ۰/۰۰۰	۹/۶	۷۴	سکولار	بعد پیامد دینی
	۱۱/۰۵	۱۶۸	تجددگرایی	
	۱۲/۱	۱۴۸	اسلام گرایی رادیکال	
	۱۲/۷	۷۷	سنت گرایی جدید	
	۱۲/۵	۲۵	سنت گرایی	
F = ۶۲/۴ S = ۰/۰۰۰	۶/۹	۶۸	سکولار	بعد مناسک دینی
	۱۱/۹	۱۶۲	تجددگرایی	
	۱۳/۸	۱۴۹	اسلام گرایی رادیکال	
	۱۴/۳	۷۷	سنت گرایی جدید	
	۱۴/۹	۲۴	سنت گرایی	

جدول ۷: نتایج آزمون شفه پیرامون مقایسه دو به دوی میانگین‌های انواع دینداری بر حسب ابعاد دینداری

سنت گرای	سنت گرای جدید	اسلام گرای رادیکال	تجددگرا	سکولار	انواع دینداری	ابعاد دینداری
MD = -۶ S = ۰/۰۰۰	MD = -۶/۷ S = ۰/۰۰۰	MD = -۶/۴ S = ۰/۰۰۰	MD = -۵/۶۱ S = ۰/۰۰۰	--	سکولار	بعد اعتقادی
			--	MD = ۵/۶۱ S = ۰/۰۰۰	تجددگرا	
		--		MD = -۶/۴ S = ۰/۰۰۰	اسلام گرای رادیکال	
	--			MD = -۶/۷ S = ۰/۰۰۰	سنت گرای جدید	
--				MD = ۶ S = ۰/۰۰۰	سنت گرای	
MD = -۳/۳ S = ۰/۰۰۰	MD = -۳/۸ S = ۰/۰۰۰	MD = -۳/۴ S = ۰/۰۰۰	MD = -۲/۸ S = ۰/۰۰۰	--	سکولار	بعد تجربی
			--	MD = -۲/۸ S = ۰/۰۰۰	تجددگرا	
		--		MD = ۳/۴ S = ۰/۰۰۰	اسلام گرای رادیکال	
	--			MD = ۳/۸ S = ۰/۰۰۰	سنت گرای جدید	
--				MD = ۳/۳ S = ۰/۰۰۰	سنت گرای	
MD = -۲/۹ S = ۰/۰۰۰	MD = -۳/۱ S = ۰/۰۰۰	MD = -۲/۵ S = ۰/۰۰۰	MD = -۱/۴ S = ۰/۰۰۰	--	سکولار	بعد پیامدی
			--	MD = -۱/۴ S = ۰/۰۰۰	تجددگرا	
		--	MD = ۱/۱ S = ۰/۰۰۰	MD = ۲/۵ S = ۰/۰۰۰	اسلام گرای رادیکال	
	--		MD = ۱/۶ S = ۰/۰۰۰	MD = ۳/۱ S = ۰/۰۰۰	سنت گرای جدید	
--			MD = ۱/۵ S = ۰/۰۰۳	MD = ۲/۹ S = ۰/۰۰۰	سنت گرای	
MD = -۸ S = ۰/۰۰۰	MD = -۷/۴ S = ۰/۰۰۰	MD = -۶/۹ S = ۰/۰۰۰	MD = -۵ S = ۰/۰۰۰	--	سکولار	بعد مناسکی
MD = -۲/۹ S = ۰/۰۰۰	MD = -۲/۴ S = ۰/۰۰۰	MD = -۱/۸ S = ۰/۰۰۰	--	MD = ۵ S = ۰/۰۰۰	تجددگرا	
		--	MD = ۱/۸ S = ۰/۰۰۰	MD = ۶/۹ S = ۰/۰۰۰	اسلام گرائی رادیکال	
	--		MD = ۲/۴ S = ۰/۰۰۰	MD = ۷/۴ S = ۰/۰۰۰	سنت گرای جدید	
--			MD = ۲/۹ S = ۰/۰۰۰	MD = ۸ S = ۰/۰۰۰	سنت گرای	

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مطالعه دینداری در دو سطح انجام می‌گیرد. این سطوح را می‌توان مرکزی و پیرامونی نامید. لایه مرکزی دین یعنی عقاید، مناسک، باورها و تجربیات دینی است که همان التزام دینی^۱ است و با سنجه‌های میزان دینداری، اندازه‌گیری می‌شود. لایه پیرامونی شامل انواع دینداری‌هاست که در سطوح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین جای می‌گیرند و می‌توان آن‌ها را ضرورت‌های تاریخی ادیان محسوب کرد. معمولاً در مطالعات مربوط به دینداری فقط یکی از سطوح فوق‌مورد بررسی قرار می‌گیرد و عمدتاً این مطالعات معطوف به سنجش میزان دینداری یا همان التزام دینی است ولی یک مسئله اساسی می‌تواند این باشد که آیا این دو سطح از دینداری که هر دوی آن‌ها هم از مقوله شناخت هستند، رابطه‌ای با یکدیگر دارند یا خیر؟ به عبارت دیگر رابطه هر نوع دینداری با التزام افراد به ابعاد دینی چگونه است؟ این مسئله از آن جا برجسته تر می‌شود که با برآمدن جنبش دوم خرداد و اصلاح طلبی، سردمداران جنبش که حاملان نوع دینداری تجددگرایانه اسلامی هستند متهم به عدم التزام به ابعاد دینداری می‌شوند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که اولاً این دو سطح دینداری دارای رابطه‌ای معنی‌دار با یکدیگر هستند و در ثانی از حیث تفاوت در التزام به ابعاد دین، حداقل در دو بُعد اعتقاد دینی و تجربه دینی هیچ تفاوتی میان تجددگرایان اسلامی با سایر دینداران وجود ندارد. اگرچه دینداری سکولار در تمامی ابعاد با سایر دینداری‌ها دارای تفاوتی معنی‌دار است.

نکته قابل ذکر دیگر این است که در این تحقیق از نوع شناسی ویلیام شپرد، برای سنجش انواع دینداری‌ها استفاده شد و بر این اساس ۵ نوع دینداری سکولار، تجددگرا، اسلام‌گرایی رادیکال، سنت‌گرایی جدید و سنت‌گرایی متمایز شدند؛ در پژوهش‌های بعدی می‌توان با ارائه مدل‌های دیگر از انواع دینداری مربوط به صاحب‌نظران دیگر استفاده نمود. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه اگرچه نوع شناسی شپرد برگرفته از مذاهب گوناگون اسلامی از جمله شیعیان در کشورهای اسلامی است، ولی از آنجایی که نمونه

این تحقیق را عمدتاً شیعیان تشکیل می‌دادند و تعداد اهل سنت در نمونه به اندازه‌ای نبود که بتوان تفاوت‌های مذهبی را در نوع دینداری‌ها مقایسه نمود، پس در مطالعات آینده این موضوع نیز می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

و به عنوان آخرین پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده باید گفت که جمعیت این پژوهش، یعنی دانشجویان، قشر خاصی هستند. که به اقتضای موقعیت نقشی و تحصیلی شان، از سایر گروه‌های اجتماعی متفاوت هستند. در نتیجه روابط مشاهده شده بین میزان و نوع دینداری آن‌ها ممکن است با یافته‌های مربوط به گروه‌های دیگر اجتماع متفاوت باشد. بنابراین بررسی رابطه این دو سطح از دینداری در سایر گروه‌های اجتماعی ممکن است نتایج متفاوتی در پی داشته باشد و جنبه‌های دیگری از رابطه را نشان دهد.

منابع

- آشتیانی، منوچهر. (۱۳۸۳)، **جامعه‌شناسی شناخت**، تهران، نشر قطر.
- برگر، پیتر. (۱۳۸۱)، **ذهن بی‌خانمان**، تهران، نشر نی.
- برگر، پیتر و توماس لوکمان. (۱۳۷۵)، **ساخت اجتماعی واقعیت (رساله ای در جامعه‌شناسی شناخت)**، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- حامد ابوزید، نصر. (۱۳۸۳)، **نقد گفتمان دینی**، ترجمه: حسن یوسفی اشکوری؛ محمد جواهرکلام، تهران: یادآوران.
- سراج زاده، سید حسین. (۱۳۷۷)، **نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی**، **نمایه پژوهش شماره ۸-۷**، پائیز و زمستان ۷۷.
- سراج زاده، سید حسین. (۱۳۸۳)، **بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی در چالش‌های دین و مدرنیته**، تهران، طرح نو.

- سراج زاده، سید حسین و توکلی، مهناز. (۱۳۸۰)، بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی. **فصلنامه پژوهش**، شماره ۲۱-۲۰ سال پنجم. وزارت فرهنگ ارشاد و ارشاد اسلامی.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۸)، اصناف دین ورزی، **مجله کیان**، شماره ۵۰
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۵)، **قبض و بسط تئوریک شریعت**، تهران، انتشارات صراط.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دینداری در ایران، **مجله جامعه شناسی ایران**، دوره ششم، شماره ۱.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰)، **دینداری و بزهکاری در میان جوانان**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاظمی، عباس. (۱۳۸۳)، **جامعه شناسی روشنفکران**، تهران: طرح نو.
- کدیور، محسن. (۱۳۸۵)، **داد و ستد اسلام و مدرنیته**، www.kadivar.com
- مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۸۱)، **نقدی بر قرائت رسمی از دین (بحران‌ها، چالش‌ها و راه حل‌ها)**، تهران: طرح نو.
- محمدرضایی، محمد. (۱۳۸۲)، **مبانی قرائت‌های گوناگون از قرآن**، فصلنامه **قبسات**، شماره ۲۹.
- ملکیان، مصطفی. (۱۳۷۸)، **سخنی در چند و چون ارتباط اسلام و لیبرالیسم**، **مجله کیان**، شماره ۴۸.
- موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه. (۱۳۸۵)، **رابطه میان دینداری و تمایل به دموکراسی**، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره اول، شماره ۱، انجمن جامعه شناسی ایران.
- میرسندسی، سیدمحمد. (۱۳۸۳)، **میزان و انواع دینداری دانشجویان**، **پایان نامه دکتری رشته جامعه شناسی**، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

- ویلم ، ژان پل. (۱۳۷۷)، **جامعه شناسی ادیان**، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران: تبیان.

- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۱)، **جامعه شناسی دین**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: موسسه تبیان، چاپ دوم.

- Glock C.Y and Stark. (1971), **The Dimensions of Religiosity: Religion and Society in Tension** , Chicago Rand McNally.

- HalMan, L & R.de Moor. (1993) "**Religion, Churches and Moral Values,"in The Individualizing Society**, ed. P. Ester et al. (Tilburg,Neth.:Tilburg University Press).

- Luckmann, T. (1990). "**Shrinking Transcendence,Expending Religion?"** Sociological Analysis.

- Shepard,E.William. (1986). **Islam and Ideology: Towards a Typology** International journal of Middle East Studies. Vol. 19.

- Shepard, William. (2004). **The Diversity Thought: Towards a typology in slamic Thought in the Towentith century**, edited by Suha Taji- Faruki and Basheer M.Nak, I.B.Towris .

- Swatos, H, (2006). William, Jr Editor, **Encyclopedia of religion, Secularization**. www.hirr.hartsem.edu/ency/secularization.htm-30/04/2009